

اشاره

اگر ایران را در دوره‌ی نظام فاسد شاهنشاهی به بخشی از دریای پهناور جهان تشبیه کنیم، بدون شک انقلاب شکوهمند اسلامی، به منزله‌ی سنگی بود که با هدایت رهبری حکیمانه‌ی حضرت امام (ره) از دستان به هم پیوسته‌ی مردم مسلمان ایران پرتاب شد و بر فرق طاغوت عصر خویش نشست. و هم‌چنان که در برخورد سنگ با آب ساکن، علاوه بر ایجاد شکاف عمیق در آن امواجی دایره‌وار نیز پدید می‌آید، انقلاب اسلامی نیز با ایجاد تحولی عمیق در نظام پوسیده‌ی پادشاهی، پیامدها و آثار جهانی ارزشمندی را نیز به دنبال داشت. و مردم جهان به رأی‌العین دیدند که می‌شود مردمی ستمدیده با دست خالی و به صرف ایمان به غیب و امداد الهی مطالبات خود را از ستمگران پس بگیرند و ثمرات ارزشمند رهبری دینی را در برقراری نظام مقدس جمهوری اسلامی مشاهده کنند. در مدتی کوتاه و با تحمیل مصائب و مشکلات زیاد اقتصادی، نظامی و سیاسی بر جمهوری اسلامی، به مردم دنیا ثابت

دهه‌ها بود که در ایالات متحده‌ی آمریکا، درس دینی از برنامه‌های آموزشی حذف شده بود. برای این موضوع دو دلیل می‌توان تصور شد: نخست این‌که، نظام آموزشی سکولار در آمریکا، توانست هژمونی خود را بر این جامعه تثبیت کند، و دوم آن‌که، جهان سیاست یکدست شده بود و دیگر هیچ نیرو و دولتی که داعیه‌ی دینی داشته باشد و بتواند روابط قدرت در صحنه‌ی بین‌الملل را تحت تأثیر قرار دهد، وجود نداشت. این وضعیت ادامه داشت تا این‌که جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌ی جهان ظاهر شد و متعاقب آن، انتفاضه‌ها و جنبش‌های اسلامی دیگر به وجود آمدند. این تحولات، گفتمان حاکم را به‌طور کلی عوض کرد و حتی بر درون جامعه‌ی آمریکا نیز اثر گذاشت و مطالبات مردمی برای آموزش دینی در این کشور فزونی یافت. مطلب زیر واکنشی به این مطالبات است.

تقاضای فزاینده برای تدریس ادیان جهان در دبیرستان‌ها و دانشکده‌های آمریکا طی چند سال اخیر،* (FPRI) را بر آن داشت تا هفتمین نشست سالانه‌ی «مؤسسه‌ی تاریخ» در آوریل سال ۲۰۰۱ را به این موضوع اختصاص دهد. برگزاری کنفرانس‌های پایان هفته باعث شد، معلمان ۳۴ مدرسه از ۱۶ ایالت، یادداشت‌هایی در مورد این موضوع به دانشگاه ارسال کنند و از مؤسسه‌ی مزبور بخواهند، بهترین تحقیقاتی را که اخیراً درباره‌ی دین صورت گرفته است، ارائه کنند و به این موضوع پرداخته شود که چه‌طور می‌توان در کلاس‌های درس به موضوع «دین» پرداخت. نشریه‌ی «فیلا دلفیا ایلکوئیر» این موضوع را در نسخه‌ی روز یک‌شنبه ششم مه سال ۲۰۰۱ خود پوشش داد.

از مدت‌ها پیش به نقش کلیدی ادیان در امور بین‌المللی واقف شده است و مطالب اخیر آن در مورد تروریسم و درگیری در خاورمیانه، این موضوع را تأیید می‌کند. با وجود تأثیر دین بر سیاست کنونی جهان، شگفت‌انگیز است که چه‌طور در مدارس آمریکا، به این موضوع توجه اندکی می‌شود. بیش از نیمی از همه‌ی آمریکایی‌ها، حداقل ماهی یک‌بار در عبادتگاه‌ها حضور می‌یابند و بالغ بر ۸۰ درصد آن‌ها خودشان را مسیحی می‌نامند. بنابراین، بسیاری از دانش‌آموزان دبیرستانی و دانشجویان توسط خانواده‌های خود و یا انجمن‌های مدنی وارد مکان‌های سنتی - مذهبی می‌شوند. از آن‌جا که دین به جای این‌که موضوع مطالعاتی باشد، عرصه‌ی مناسک است، معلمان کلاس‌ها غالباً متوجه می‌شوند که دانش‌آموزان فاقد فهم پیچیده‌ای نسبت به تاریخ و آموزه‌های ایمانی خود هستند و این احساس را نسبت به دیگر ادیان هم دارند. این مسائل باعث می‌شوند که مدارس و دانشکده‌ها در غنی کردن تجارب مرتبط با ادیان جهانی، با چالش مواجه شوند.

دین جهانی دینی است که پیروی از آن در همه‌جا ممکن باشد و محدود به تعدادی از جوامع، ملت‌ها یا فرهنگی خاص نشود. براساس این تعریف، امروزه ما در جهان سه دین داریم: مسیحیت، اسلام و بودایی. البته، ادیان دیگری هم در گذشته وجود داشته‌اند که ناپدید شده‌اند؛ مثل دین مانوی که از سوریه تا چین، در نخستین هزاره‌ی قبل از میلاد گسترده بود. برخی از این ادیان مثل هندوئیسم، مورد اختلاف هستند. پیروان این دین، هر چند بسیار دورتر از مرزهای هند هم یافت

نگاهی به جایگاه

آموزش دینی

در سایر کشورها

بخش اول - آمریکا

مریم جزایری

کلیدواژه‌ها: دین، ادیان، آموزش دینی، مسیحیت، یهودیت.

شد که آن‌چه که تحمل تمامی موارد فوق را بر این ملت قهرمان هموار می‌سازد، آموزش‌های حیات‌بخش اسلام و ایمان راسخ مسلمانان به ضرورت استقامت، حفظ کرامت و عزت نفس، ایثار و شهادت‌طلبی و... است. و اگر انقلاب اسلامی هیچ ثمره‌ای جز این موارد نداشته باشد، باز هم بزرگ‌ترین حادثه‌ی قرن تلقی می‌شود. چرا که اثرات آن در ایجاد رغبت مردم به باورهای معنوی و احیای حسن حق‌جویی و حق‌طلبی جهانیان انکارناپذیر است. از جمله تأثیرات مهم انقلاب اسلامی، افزایش تمایل مردم جهان به آموزش‌های دینی و اخلاقی در سراسر جهان است. که به اعتراف سازمان‌ها و مراکز رسمی برخی از کشورها رشد سالانه داشته و احساس نیاز مردم را به این آموزش‌ها نشان می‌دهد. در این شماره و شماره‌های آینده برآنیم تا جایگاه آموزش تعلیمات دینی در کشورهای غیرمسلمان را بررسی نماییم.



می‌شوند، ولی نوعاً در مناطقی وجود داشته‌اند که از لحاظ فرهنگی، هندی شده بودند. ادیانی که به‌طور مؤثری در هنجارهای اجتماعی و نگرش‌های اخلاقی و سیاسی نفوذ کرده‌اند و در بیش از یک جامعه به عمل تبدیل شده‌اند، می‌توانند به عنوان ادیان جهانی تعریف شوند. با این تعریف، یهودیت هم به خاطر نفوذی که بر مسیحیت و ارزش‌های اجتماعی و سیاسی غرب داشته، یک دین جهانی است.

دین به خاطر اهمیتی که برای تاریخ، ادبیات، فلسفه‌ی سیاسی و دیگر عرصه‌ها داشته، به بخش مهمی از برنامه‌های آموزشی تبدیل شده است. جوامع را نمی‌توان بدون در نظر گرفتن سیستم‌های اعتقادی آن‌ها شناخت. آن دسته از اعتقاداتی که بر ارزش‌های اخلاقی عام متمرکز می‌شوند، در فرهنگ‌های گوناگون مشترک هستند؛ هر چند این فرهنگ‌ها به شیوه‌های بسیار متفاوتی بیان می‌شوند. برای مثال، این دین است که تاریخ غرب را از زمان ایجاد اروپای غربی در قرون وسطا تا اصلاحات قرن شانزدهم شکل می‌دهد و بعداً در خلال عصر اکتشافات میان تمدن‌ها، به مواجهه با دیگر ادیان می‌رود. بنابراین، سؤال این نیست که آیا مطالعات مذهبی باید در برنامه‌های آموزشی قرار بگیرد یا نه، بلکه سؤال این است که چه‌طور می‌توان دین را به‌عنوان بخش حیاتی زندگی بشریت، به‌طور مؤثری معرفی کرد؟

آیا فهم دین قابل انتظام است؟

پاول گری فیث از دانشگاه «ایلی نویز» شیکاگو، در مورد این که دین چیست و چه‌طور می‌توان آن را فهمید، می‌گوید: «کلمه‌ی دین آن‌طور که امروز مورد استفاده قرار می‌گیرد، مجموعه‌ای از نگرش‌های پیچیده و بعضاً نامتجانس است و تاریخ نسبتاً کوتاهی را شامل می‌شود. «استی اگوستین» در توصیف الگوهای عمل که توسط آن، مردم متوجه خدا و تجلیل و ستایش از او می‌شوند. از کلمه‌ی لاتینی «religio» استفاده کرد. اما مفهوم خود کلمه‌ی «دین»، هم برای فلاسفه و هم برای الهی‌دانان اواخر عهد باستان و یا قرون وسطای مسیحی، اهمیتی نداشت. اروپایی‌ها در قرن شانزدهم، تنها به مصاف با «دیگر ادیان» می‌رفتند.

فهم مدرن از دین به عنوان یک مفهوم کلی که در آن بسیاری از مصادیق خاص وجود دارد، بعداً توسط اصلاحات پروتستان و مواجهه‌ی اروپایی‌ها با دیگر فرهنگ‌ها به وجود آمد. گونه‌های متفاوت پرسش و متون مقدسی که پرستش براساس آن‌ها صورت می‌گیرد، در همه‌ی ادیان دیگر، مثل مسیحیت که در شکل‌های متفاوت خود یک دین اروپایی است، وجود دارد. اما در همان حال که ادیان زیادی وجود دارند، اروپایی‌ها فکر می‌کردند که تنها یک دین - همان شاخه‌ی مسیحیت خودشان - حقیقت دارد. همه‌ی شکل‌های دیگر، تنها موقعی دین خوانده می‌شوند که از همان مدل و شاخه پیروی کنند. بنابراین، فهم کنونی متنوع و پیچیده‌ی غربی‌ها از دین، تا حدود زیادی ریشه در این تاریخ عجیب اروپایی و تلاش روشن‌فکرانی دارد که در این قاره ظاهر شدند. بخشی از این فهم شامل انتظام‌بخشی آکادمیک در مورد خود دین است. مطالعات دینی که در دانشگاه‌های غربی صورت گرفته، براساس بر حق بودن خود و مخالفت با خداشناسی و خودشناسی

این دین است که تاریخ غرب را از زمان ایجاد اروپای غربی در قرون وسطا تا اصلاحات قرن شانزدهم شکل می‌دهد و بعداً در خلال عصر اکتشافات میان تمدن‌ها، به مواجهه با دیگر ادیان می‌رود. بنابراین، سؤال این نیست که آیا مطالعات مذهبی باید در برنامه‌های آموزشی قرار بگیرد یا نه، بلکه سؤال این است که چه‌طور می‌توان دین را به‌عنوان بخش حیاتی زندگی بشریت، به‌طور مؤثری معرفی کرد؟



کلیسای موجود بوده است.

اما این مطالعات هرگز از این مفهوم روی برتافت که یک «دین» مثل مسیحیت، معنی داشتن ایمان را هم می‌دهد. اما تلاش‌ها برای پیچیده و نظام‌مند کردن این نگرش، به‌طوری که در عرصه‌ی روشن‌فکری هم سودمند باشد، یا با شکست مواجه شدند و یا چیزی به جز آشفتگی در پی نداشتند. اکنون پذیرفته شده است که دین می‌تواند تنها از طریق چارچوب علم الهیات و یا در چارچوب‌های دیگری مثل تاریخ، مطالعات ادبی یا انسان‌شناسی مورد مطالعه قرار گیرد. در این صورت، چه‌طور می‌توان درباره‌ی آن اندیشید؟

گری فیث براساس جدایی این دو موضوع «چه‌طور یک فرد می‌تواند مذهبی باشد؟» و «تدریس دین برای یک فرد چگونه باید باشد؟» به آن‌ها دو پاسخ متفاوت می‌دهد. این که چگونه فرد می‌تواند مذهبی باشد، ظاهراً مربوط به جزئیات است؛ دین به انسان‌ها می‌آموزد و آن‌ها براساس بخشی از یک دین خاص، یاد می‌گیرند که به شیوه‌ی خاصی رفتار کنند. آموزش درباره‌ی دین، مثل آموزش درباره‌ی دیگر پدیده‌های پیچیده‌ی اجتماعی از قبیل جنگ یا خانواده، متضمن اطلاعاتی درباره‌ی تاریخ، جامعه‌شناسی و معنا و مفاهیم فرهنگی موجود است. براساس این رهیافت، طی برنامه‌ی آموزشی، اجزای دین جزء-جزء به هم پیوند می‌خورند. این شیوه‌ی است که از آموزش شوسر یا شکسپیر تا تاریخ جنبش حقوق مدنی آمریکا (مرتبط با دین) را در برمی‌گیرد. در این روش، از پرداختن به موارد تنش‌زا که از طریق مقوله‌بندی امور براساس مذهب صورت می‌گیرد، اجتناب می‌شود. گری فیث صحبتش را با نگرشی ساده اما متناقض به پایان می‌برد؛ ما در مقایسه با عملکرد مذهبی در زندگی خود، نسبت به آموزش مذهب، نگرانی خیلی کمتری داریم. دلیل اصلی این نادیده گرفتن، شاید آن باشد که ما در ارتباط با آموزش هم مثل یک فرد مذهبی می‌اندیشیم.

آموزشی که تماماً سکولار نیست

اگر دین به طرز ناشایه‌ای در چارچوب دیسپلین آکادمیکی قرار گیرد، در این صورت، جایگاه آن در برنامه‌ی آموزش عمومی و مدارس غیرفرقه‌ای چیست؟ وارن نورد از دانشگاه کالیفرنیا شمالی استدلال می‌کند که تأثیر و قدرت حیاتی که بسیاری از سنت‌های مذهبی دارند، ایجاد یک آموزش‌وپرورش لیبرال را ضروری می‌سازد. اما چه‌طور می‌توان بدون نقض اصل جدایی کلیسا و دولت و تجاوز به حساسیت‌ها، در مورد دین اندیشید؟ نورد پاسخ می‌دهد: تنها راه این است که نسبت به همه‌ی نحله‌های دینی، جای‌گزین مناسبی بیابیم. معلمان در ارائه‌ی موضوعات خود باید اجازه دهند که ادیان از طریق منابع اولیه سخن بگویند. فهم بسیاری از ابعاد دینی نیازمند رهیافتی است که ورای تأکید بر «آموزش‌های اساسی» که در مسیحیت و اسلام به بهترین شکل بیان می‌شود، حرکت کند. هر جامعه و فردی به یک فقه و شرع اعتقاد دارد. مدارس باید با حفظ بی‌طرفی، در صدد برتری دادن و یا امتیاز دادن به هیچ یک از ادیان نباشند. نورد اجماع جدیدی را در مورد نقش دین در آموزش‌وپرورش عمومی مطرح می‌کند. به گفته‌ی وی، گروه‌های گوناگون مذهبی، آموزشی و آزادی

مدنی روی سه نکته توافق دارند:

۱. موضوع آموزش دین در مدارس عمومی، در قانون اساسی آمده است.
 ۲. در ارتباط با دین، رهیافتی بی طرفانه و غیر تبلیغی باید به کار گرفته شود.
 ۳. آموزش دین مهم است.
- اما در ارتباط با بازگویی این اجماع در کلاس‌های درس ملی، چالش وجود دارد. دانستن این وظیفه‌ی مهم باعث می‌شود که ما به راه‌حل نزدیک‌تر شویم.

اعتقادات در ادیان بزرگ توحیدی

بسیاری از دانش‌آموزان آمریکایی حداقل اسماً مسیحی هستند و با اصول تاریخ و آموزش مسیحی احساس نزدیکی می‌کنند. آن‌ها از دانشگاه «پنسیلوانیا» توضیح می‌دهد که چه‌طور این مأموس بودن باعث ایجاد سؤالاتی درباره‌ی خودشناسی و تعریف از خود به عنوان یک انسان می‌شود. او می‌گوید: مسیحیت براساس انتظار یک مکاشفه‌ی قریب‌الوقوع رشد کرد، عیسی به وضوح به پیروان خود دستور می‌دهد که «حواریونی از تمام ملل به وجود آورید، آن‌ها را غسل تعمید دهید و به آن‌ها بیاموزید که دستورات مسیح را مورد ملاحظه قرار دهند [انجیل متا، باب ۲۸، ۱۹-۲۰]». معتقدان فکر می‌کردند که ایمان آن‌ها باید به اطراف و اکناف زمین گسترانیده شود و به این ترتیب، مأموریتی براساس انتظار آخرالزمان روی زمین شکل قطعی به خود گرفت. برانداخته شدن امپراتور کنستانتین در قرن چهارم، باعث شد که مسیحیت در مجاورت امپراتوری روم قرار گیرد. بدین ترتیب، مسیحیت همه‌ی انواع مردم و سنت‌های مذهبی را چه درون امپراتوری و چه در همسایگی آن جذب کرد.

درگیری با یهودیت و اسلام، باعث شد که مسیحیان ایمان خود را محک بزنند. مآثر استدلال می‌کند که بهترین راه آموزش مسیحیت، شناخت رابطه‌ی آن با دیگر سنت‌های دینی، به ویژه آن دسته از ادیانی است که دعوت آن را نپذیرفتند. تنش و درگیری میان مسیحیت و دیگر اعتقادات، علاوه بر این که امری تاریخی است، در کلاس‌های درس کنونی نیز بازتاب می‌یابد. به مسیحیان دستور داده شده است که دیگران را به دین خود معتقد کنند، اما دیگران این فرمان را یک پیش‌داوری علیه خود می‌دانند. رنجش مسیحیان از یهودیان که «انجیل» را نپذیرفتند، در مباحثات دینی امروزی دانشگاه‌های سکولار، بازتاب دارد. آیا کسی می‌تواند بدون آن که در نقش یک موعظه‌کننده ظاهر شود، مسیحیت را درس بدهد؟

پیتر آچز از دانشگاه «ویرجینیا» بحث خود را درباره‌ی یهودیت با موسیقی «کالمر» و یک سؤال آغاز می‌کند: اگر تاریخی که یهودیان از خود روایت می‌کنند، این قدر پر درد و رنج بوده است، پس چرا در زندگی خود سرود و آواز می‌خوانند، می‌رقصند و جشن می‌گیرند؟ هر توضیح مبنایی در مورد یهودیت، با سه رکن خدا، تورات و اسرائیل شروع می‌شود. او با بیان تناقضاتی که در یهودیت یافت می‌شود، درس خود را شروع می‌کند.

بسیاری از مضامین دین یهود روایاتی هستند که از طریق افراد،

بیش از نیمی از همه‌ی آمریکایی‌ها، حداقل ماهی یک‌بار در عبادتگاه‌ها حضور می‌یابند و بالغ بر ۸۰ درصد آن‌ها خودشان را مسیحی می‌نامند. بنابراین، بسیاری از دانش‌آموزان دبیرستانی و دانشجویان توسط خانواده‌های خود و یا انجمن‌های مدنی وارد مکان‌های سنتی-مذهبی می‌شوند. از آن‌جا که دین به جای این که موضوع مطالعاتی باشد، عرصه‌ی مناسک است، معلم‌ان کلاس‌ها غالباً متوجه می‌شوند که دانش‌آموزان فاقد فهم پیچیده‌ای نسبت به تاریخ و آموزه‌های ایمانی خود هستند و این احساس را نسبت به دیگر ادیان هم دارند. این مسائل باعث می‌شوند که مدارس و دانشکده‌ها در غنی کردن تجارب مرتبط با ادیان جهانی، با چالش مواجه شوند.



به ویژه بنی اسرائیل (فرزندان اسرائیل) منتقل شده‌اند و تاریخ این دین را یادآوری می‌کنند. داستان انجیل در مورد مهاجرت بنی اسرائیل، همان روایت توصیفی تاریخ اسرائیل است: این که چه‌طور فرزندان یعقوب در زمان قحطی وارد مصر شدند، به وسیله‌ی فرعون به بردگی گرفته و توسط خدا آزاد شدند و پیش از ۴۰ سال در سرزمین موعود کنعان رها گردیدند؛ جایی که بعداً به «ارتز بیزاراییل»، سرزمین رسمی یهودیان تبدیل خواهد شد. اعتقاد بر این است که «کنعان» سرزمین مقدسی است و تنها برای آن‌هایی که مؤمن به خالق هستند، صالح و آرامش به همراه می‌آورد و آرزوی آن‌ها در تورات و آموزه‌هایی که خدا از طریق موسی و دیگر پیامبران فرستاد، آشکار خواهد شد. تورات فقط به آن چه که به وضوح در انجیل نوشته شده است، اشاره نمی‌کند، بلکه مشتمل بر همه‌ی آموزه‌های دانایان است؛ دانایانی که مطالب این کتاب را تفسیر می‌کنند و پیروی از خداوند را در اعمال روزانه توضیح می‌دهند.

داستان‌های سرگردانی در این کتاب مقدس، حتی قبل از تخریب معبد، آوارگی و قتل عام‌ها، فراوان است و بیشتر یهودیت به بازتاب‌های زندگی در این رنج و آوارگی اختصاص دارد. آچز متذکر می‌شود که کتاب دوم تورات، شامل مطالبی درباره‌ی یوشع بن نون، قضات، شاهان آموس و هوشع نبی است. این‌ها مثال‌هایی از این مضمون هستند که قوم اسرائیل زمانی که نتوانست به دستورات الهی عمل کند، دچار رنج و آوارگی شد. دانشجویان باید ببینند که چه‌طور مردم اسرائیل رنج و آوارگی خود را به عنوان علامتی از خشم آسمانی می‌دانند و در واکنش به آن، درستکاری بیشتر را در زندگی خود در پیش می‌گیرند. با وجود این، یهودیت دین زندگی است و بخش اعظم زندگی یهودیان، همراه با شادمانی و جشن است و بر خانواده و جامعه تمرکز دارد. آچز تناقض میان رنج کشیدن و جشن گرفتن را برجسته می‌کند و آن چه را که وی الگویی از وارونه‌گویی‌ها توصیف می‌کند، به‌عنوان یک روش تدریس یهودیت پیشنهاد می‌دهد.

برای مثال، یهودیت دین یک خدایی، دیرینه و به‌طور کلی قدرتمندی است، و در همان حال، دربردارنده‌ی گفت و شنودهایی در رابطه با پیروی از خداست. خداوند چه‌طور می‌تواند در ارتباطش با طلاب تورات، هم دور از دسترس باشد - از آن‌جا که حالت تقدس دارد - و هم در همان حال، با داشتن آزادی عمل قابل ملاحظه، به اندازه‌ی کافی نزدیک باشد؟ طعنه‌ی دیگر در این حقیقت نهفته است که یهودیان براساس قانون یهودیت و تورات، خودشان را مردم برگزیده و جدا از جهان می‌دانند. اما در همان حال، مردمی هستند که در سراسر گیتی حضور دارند. بالاخره این که اخلاق عملی و جهانی مردم یهود، با یهودیت نزدیک به متون تورات و «تلموت» چه وجه تشابهی دارد؟ کشف پاسخ این سؤالات، معانی مفیدی را در ارتباط با آموزش یهودیت به دست می‌دهد.

منبع

ماهنامه‌ی سیاحت غرب، ۱۳۸۶، سال چهارم، شماره‌ی ۴۷، خرداد؛ به نقل از: FPRI.htm - Lemond \ Teaching world religions

Foreign Policy Research Institute (علامت اختصاری)

مؤسسه‌ی پژوهشی سیاست خارجی